



جهان آخرت در کتاب‌ها درس

بررسی روش‌های آموزش درس «معاد»
در کتاب‌های دین و زندگی

رقبه ولایتی

دبیر منطقه خواجه آذربایجان شرقی

این مقاله، به کمک بررسی روش‌هایی چون سقراطی، داستان‌گویی، استفاده از شعر، شیوهٔ منطقی قیاس، استفاده از هنر در تفهیم مطالب دینی و به‌کارگیری علوم دیگر برای آموزش معاد، درصددیم روش‌های آموزش مطالب دین را که یکی از اصول اصیل آن معادباوری و پذیرش عالم آخرت است، به یادگیرندگان آموزش دهیم. گرچه تمام این اصول‌ها و روش‌ها زمانی محقق و مثمرتر خواهند بود که متعلمان حیطةٔ آموزش و پرورش، به جای پرورش همیشگی انگیزش‌های بیرونی، به تقویت انگیزش‌های درونی هم روی آورند. این امر، نیازمند همراهی اصولی چون یگانگی گفتار و رفتار معلم، استفاده از شیوه‌های تشویق مؤثر، خوش‌اخلاقی در حین تدریس و فراهم ساختن فضای مناسبی برای آموزش است.

کلیدواژه‌ها: آموزش، روش، معاد، دین

چکیده

معاد و باور به زندگی پس از مرگ، که در کتاب‌های دینی از آن به بازگشت مجدد به اصل و حالت اولیه یاد شده است، در همهٔ ادیان الهی وجود دارد و تمامی فرستادگان الهی بر اهمیت این رکن رکین پافشاری می‌کنند. اهمیت این موضوع اصیل زمانی آشکار می‌شود که در فرایند آموزش و پرورش، یادگیرندگان و یاددهندگان آن را با دقت بررسی و نقادی می‌کنند. موضوع معاد که دغدغهٔ همیشگی مخلوقات بوده است، در عصر حاضر به شکل دیگری معنی و مفهوم می‌یابد. زمانه‌ای که جوامع غربی درصددند تا پوچی مفاهیم دینی را به اثبات برسانند، مهم‌ترین وظیفهٔ آموزش و پرورش، تفهیم مطالب دینی به‌صورت اثرگذار و جذاب است و این مهم از طریق به‌کارگیری روش‌های مناسب آموزشی میسر می‌شود. در

بیان مسئله

در فرایند آموزش و پرورش، روش تدریس از اهمیت و موقعیت خاصی برخوردار است. ممکن است در تدوین سایر عناصر آموزش از قبیل هدف و محتوا به طرز مطلوب عمل کنیم، ولی به دلیل کم توجهی به عنصر «روش» نتایج مورد انتظار را در فرایند تعلیم و تربیت به دست نیاوریم. بنابراین، در انتخاب و سازمان دهی روش های تدریس باید حساسیت لازم را داشته باشیم. زیرا آگاهی معلم از مهارت ها و روش های مختلف تدریس، سبب موفقیت او در نحوه یاددهی مطلوب می شود، به خصوص در آموزش مفاهیمی که با اعتقاد دینی افراد مرتبط باشد، یادگیری غلط آن ها بیراهه های زندگی را به محبوبیت زندگی می کشاند و آدمی را به مسیر گمراهی سوق می دهد. با دقت در مفاهیم دین و اصول اصیل آن، این باور برای ما تداعی می شود که باور به معاد از ارکان حیاتی انسان است که زندگی بدون آن برای بشر مفهوم درستی ندارد، بر طبق نص صریح قرآن کریم نمی توان بدان بی توجه بود «و ان الساعه آتیة لاریب فیها» همین امر سبب شده آدمی در پی دریافت مفاهیم عالی باقی در جست و جو و کنکاش باشد تا بتواند به دغدغه های ریشه دار شده در وجودش که تمایلات نهاد او، آن ها را به هر طرف می کشاند، پاسخ گوید. لذا درصدد است تا از طریق مطمئن ترین مرحله شناخت به آن دست یابد. مهم ترین اصلی که در نظام تعلیم و تربیت باید در نظر گرفته شود، ارتباط تنگاتنگ بین تحول روانی انسانی در هر مرحله از رشد با محتوای تربیتی و آموزشی است. متناسب کردن آموزش و پرورش با تحول روحی دانش آموز است. هر تعلیم با نیازها و کاربردها و فواید آن در زندگی همراه شود تا قابل درک و فهم شود و جاذبه داشته باشد تا فراگیر به آن تمایل نشان دهد و به فهم و درک عمیق آن نائل شود. (فرهادیان، ۱۳۷۵)

تعلیم و آموزش مفاهیم دینی در زمره مسائل بسیار مهم به شمار می روند؛ زیرا کتاب و سنت مهم ترین منابع دین مقدس اسلام در نظر گرفته شده اند و پرداختن به نحوه آموزش آن ها در پایه ریزی اعتقادات دینی، نقش مؤثر و مؤیدی ایفا می کند. دین و اصول آن دستاویز محکمی است که در لغزشگاه های زندگی، ما را از ورطه شقاوت و هلاکت نجات می دهد و به سعادت و هدایت رهنمون می کند. لذا لازم است به شیوه های آموزش و تعلیم آن،

به خصوص در مدارس که پایه های اولیه دانش در آن پایه ریزی می شود، پرداخته شود. آموزش که بیش از هر چیزی سپردن دانستی هاست به دیگران، زمانی سودمند است که به کار آید (نقیب زاده، ۱۳۹۱). از آن جهت که اساسی ترین رسالت نظام مقدس آموزش و پرورش در جامعه اسلامی، گسترش و تعمیق مسائل دینی در نسل کنونی و نسل های آینده است، به همین منظور، جامعه دین مدار به جهت تحقق اهداف متعالی خویش نیازمند انسان های دین باوری است که در پرتو تعلیم دینی رشد یافته باشند و این تربیت علمی دین، جز در پرتو «باور به قیامت و معاد» حاصل نخواهد شد. زیرا همه معلمان دین، پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده و آن را لازمه ایمان به خدا دانسته اند. در این نوشتار سعی بر این است که به کمک ارائه روش های مؤثر در فرایند تدریس، به روش هایی که هر آموزش دهنده ای از طریق آن ها می تواند به یاددهی مطلوبی برسد، دست یابیم. موضوع اصلی این پژوهش بررسی روش های آموزش درس «معاد» در کتاب های دین و زندگی است. به منظور واکاوی این مسئله پژوهشی، درصددیم به سؤالاتی که در ادامه بیان شده اند پاسخ دهیم.

- از چه روش هایی می توان در آموزش موضوع معاد استفاده کرد؟

- میزان کارایی این روش ها تا چه اندازه است؟

- چه راهکارهایی را می توان برای مطلوب بودن نتیجه آموزشی علوم دین به کار بست؟

الف. روش های پیشنهادی در حیطه آموزش:

در حیطه آموزش معاد روش های مختلفی مورد کنکاش و بررسی قرار داده شده اند. در این میان شیوه هایی هستند که می توانند به آموزش دهندگان متون دینی کمک کنند تا موفقیت های چشمگیری را در حیطه آموزش این اصل دین به همراه داشته باشند و آن ها عبارتند از:

۱. روش دیالوگی یا سقراطی: یکی از روش های متداول در آموزش مفاهیم دین مدارانه ای چون معاد، به کارگیری روش سنتی دیالوگی است که به روش سقراطی هم مشهور شده است. این روش که به نام هایی چون روش افلاطونی، دیالکتیک (جدل)، (دریابندری، ۱۳۴۰) و بازجویی (قبادیان، ۱۳۸۹) نیز خوانده شده

تعلیم و آموزش مفاهیم دینی در زمره مسائل بسیار مهم به شمار می روند؛ زیرا کتاب و سنت مهم ترین منابع و منافع دین مقدس اسلام در نظر گرفته شده اند و پرداختن به نحوه آموزش آن ها در پایه ریزی اعتقادات دینی، نقش مؤثر و مؤیدی ایفا می کند

**روش سقراطی
شیوه‌ای پویا و
فعال است، زیرا
در آن نه تنها
آموزش دهنده،
بلکه مهم‌تر از
همه، یادگیرنده،
نقش فعالی ایفا
می‌کند. گرچه
در مواردی تلاش
یادگیرنده بر این
است که بعضی
از اعتقادات القا
شده ناصحیح
والدین را به
کرسی بنشانند**



است روشی برای مباحثه است که براساس سؤال و جواب متعالی و هدفمند بنا شده باشد، به‌طوری که با اختیار موضع طرف مقابل، ابتدا موافقت و همراهی او جلب شود و سپس تناقضات استدلال‌های او آشکار و با استفاده از موضع خود شخص، ادعایش رد شود.

اگر به آموزش کنونی در عصر حاضر توجه کنیم، می‌توان این روش را یکی از فنون متداول تدریس دانست. بدین‌گونه که معلم با مطرح کردن سؤالی از دانش‌آموزان در رابطه با چرایی و چگونگی موضوع معاد، ذهن آن‌ها را به چالش می‌کشد. همین که معلم از دانش‌آموز می‌پرسد معاد چیست؟ چرا باید به زندگی در عالم دیگر بیندیشیم؟ چه رابطه‌ای میان انسان و معاد برقرار است؟ و... ذهن دانش‌آموز درگیر می‌شود و از خود می‌پرسد واقعا چرا باید مرگ و زندگی پس از آن ممکن باشد؟ چرا خداوند این روند طبیعی خلقت را برای همه انسان‌ها قرار داده است؟ در این صورت به اظهارنظرهایی می‌پردازد که شاید کلاس دین و زندگی اولین محیط آموزشی باشد که دانش‌آموز به راحتی می‌تواند به بیان دیدگاه‌های موافق و مخالف دین بپردازد. این سؤالات او را به این مسیر سوق می‌دهد که به بیان عقاید صحیح یا نادرستی که از طریق والدین یا اطرافیان به او القا شده است بپردازد و با تعارض حاصل از دو اعتقاد (آموزش یقین به روز واپسین و آموزش نبود میعادگاه حقیقی و خلقت عبث انسان‌ها) به دنبال پاسخ مناسبی می‌گردد. اینجاست که با ادله محکم یا دلایل مشکوک به ارائه نظرات خویش می‌پردازند.

روش سقراطی شیوه‌ای پویا و فعال است، زیرا در آن نه‌تنها آموزش‌دهنده، بلکه مهم‌تر از همه، یادگیرنده، نقش فعالی ایفا می‌کند. گرچه در مواردی تلاش یادگیرنده بر این است که بعضی از اعتقادات القا شده ناصحیح والدین را به کرسی بنشانند، اما معلم متواضعانه بحث را به مسیر صحیحی می‌کشانند. به فرض مثال، یکی از مسائلی که ذهن جوانان و نوجوانان امروز ما را درگیر و مشغول خود کرده است، چرایی پاسخی به این سؤال است که خداوند با همه کمال خود مخلوقی می‌آفریند که باید روزی او را پس گیرد؟ و ممکن است این اعتقاد شک‌برانگیز با اعتقاداتی که آموزش‌دهنده دین در کلاس درس در اختیار او می‌نهد، در تعارض و تضاد باشد. به همین منظور، آموزش‌دهنده

می‌کوشد با مطرح کردن مباحثی از حکمت و عدل الهی، ذهن مستعد یادگیرنده را آماده کند و با ارائه مباحثی که شاید به جدل نزدیک باشد، صحت ادعای خویش را ثابت کند. برای نمونه، یکی از مواردی را که از شیوه سقراطی مدد می‌جوییم تا به دفاع از وجود معاد بپردازیم، می‌خوانید.

آموزش دهنده: معاد اصلی اساسی است که آیات فراوانی درباره آن وارد شده‌اند و تحقق آن پس از ظهور آخرین منجی اثبات شده است. همه انسان‌ها بعد از مرگ وارد عالمی دیگر به نام برزخ می‌شوند.

یادگیرنده: چرا خداوند نیاز دارد که عالم دیگری وجود داشته باشد، مگر خداوند که متعال و بلندمرتبه است، به غیر نیازمند است؟ **آموزش دهنده:** خداوند متعال ناقص و نیازمند به دیگری نیست، بلکه حکمت او که نشانگر هدفمندی او در خلقت است، مانع از انجام کارهای عبث و بیهوده است.

یادگیرنده: اگر کارهای او حکیمانه باشد، چرا لازم است مرگ تحقق یابد و به راحتی به آمال دنیایی پایان دهد؟

آموزش دهنده: خداوند متعال آدمی را اشرف مخلوقات دانسته، و برای او جایگاهی والاتر از این عالم در نظر گرفته است و تمایلاتی در وجود او قرار داده است که از طریق آن‌ها به سعادت و کمال می‌رسد.

یادگیرنده: اگر سعادت و کمال آدمی مدنظر خداوند متعال بود، قطعاً شرایط آن را برای همه فراهم می‌کرد، در حالی که خداوند این امور را برای عده‌ای مهیا کرده و برخی از آن محروم‌اند.

آموزش دهنده: مگر خود شما معترف نیستی به اینکه آدمی به جاودانگی تمایل دارد و می‌خواهد بیشتر از تمتعات الهی بهره‌مند شود؟ **یادگیرنده:** بلی، درست است.

آموزش دهنده: پس چگونه سخن خداوند متعال را درباره اینکه این دنیا محدود است و پاسخگوی نیاز به جاودانگی انسان‌ها نیست نمی‌پذیری؟ لزوماً باید عالم دیگری باشد تا پاسخ‌گوی نیاز جاودانه‌خواهی انسان‌ها باشد، درست است؟

یادگیرنده: بله، درست است (نقیب‌زاده، ۱۳۹۱).

اگر به دیالوگ بالا دقت شود، می‌توان به اهمیت شیوه سقراطی پی برد. یادگیرنده‌ای که می‌کوشد به عقاید دینی برچسب باطل بودن

تعلیم و آموزش
مفاهیم دینی
در زمره مسائل
بسیار مهم
به شمار می‌روند؛
زیرا کتاب و
سنت یکی از
مهم‌ترین منابع
و منافع دین
مقدس اسلام
در نظر گرفته
شده‌اند و
پرداختن به نحوه
آموزش آن‌ها
در پایه‌ریزی
اعتقادات دینی،
نقش مؤثر و
مؤیدی ایفا
می‌کند

می‌دهد. این شیوه از آموزش در مقام یاددهی، خصوصا در درس‌هایی دینی با موضوع معاد، شاید از برخی جهات مؤثرتر از روش دیالوگی است، زیرا در این روش یادگیرنده خود را در شرایط بیان شده فرض می‌کند و از آن جهت که داستان‌ها جنبه تخیلی و ساختگی صرف ندارند، قطعا در یادگیری متون دین، نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند. حتی گاهی اوقات به‌منظور دست یافتن به نتیجه صحیح، چنین داستان‌هایی را می‌توان به کمک متعلمان به اجرا درآورد. همچنین، استفاده از ابزار نمایش و تصویرسازی به شیوه‌ای است که در حال حاضر، به‌خصوص جهان غرب، در جهت ترویج اهداف و امیال ضددین خود از آن سود جسته است. یکی از مزایایی که در این روش پسندیده و قابل توجه است، توجه به این امر است که خلاقیت دانش‌آموزان و فراگیرندگان را توسعه می‌دهد، زیرا شاخص یادگیرنده، در آموزش نقش آفرینی می‌کند و با حضور خلاقانه‌اش احساس می‌کند محیط پیرامونش او را فردی مؤثر و بالیقت می‌داند (امیرحسینی، ۱۳۸۸). همین امر سبب می‌شود خود قبل از آنکه یاد دهد، باور و اعتقاد به اصل معاد را با جان و دل بپذیرد.

روش منطقی قیاس: یکی دیگر از روش‌های آموزش مفاهیم دین‌محورانه‌ای چون معاد، به‌کارگیری روش‌هایی منطقی چون «قیاس» است. قیاس گفتاری از چند قضیه تشکیل می‌شود و هرگاه پذیرفته شود، ذاتا مستلزم گفتار دیگری است که آن را به معنای تحلیل دانسته‌اند. بر فن برهان هم اطلاق می‌شود (مظفر، ۱۳۸۷). در این روش، سیر یادگیری از کلی به جزئی است. یعنی ابتدا محمولی برای یک موضوع کلی ثابت می‌شود و براساس آن، حکم جزئیات موضوع معلوم می‌شود (مصباح، ۱۳۸۷). به همین منظور، می‌توان در یاددهی و آموزش مسئله معاد و سرای باقی، اصل موضوع را به نحو استدلالی برای یادگیرندگان بیان کرد. به فرض مثال، آنجا که برای اثبات معاد از عدل الهی مدد می‌جوئیم، می‌توان با تشکیل دو مقدمه به نتیجه مطلوب دست یافت؛ همان‌گونه که در علم منطق با پایه‌ریزی مقدمات صحیح در شکل و صورت از مجهول به معلوم می‌رسیم. به مثال زیر توجه کنید:

مقدمه ۱. عدل الهی اقتضا می‌کند جهانی به وجود آید که ظرفیت همه مجازات‌ها و پاداش‌ها را نداشته باشد.

بزنند، به راحتی از طریق حرف‌هایی که به آن اذعان دارد، به مسیر درست هدایت می‌شود، به صحت بیانات آموزش‌دهنده اعتراف می‌کند و به نتیجه معقول و آرامش نسبی که از این تعارض برای او حاصل شده است دست می‌یابد. این شیوه بیشتر در مواردی که یادگیرنده درصدد است به هر نحوی با آموزش‌دهنده مخالفت کند - در حالی که باطنا آن اعتقاد را می‌پذیرد - چاره‌گشا است. این همان روشی است که افلاطون آن را مهم‌ترین روش به‌کار رفته در آموزش بیان و آن را با عناوینی چون روش دیالکتیک یا همان گفت‌و‌شنود معرفی کرده است. با این روش آدمی می‌آموزد چگونه از آنچه به حس درمی‌آید، آغاز کند و به سوی جهان معنوی بالا رود (کاردان، ۱۳۸۱).

داستان‌گویی: قرآن کریم در سوره یوسف (ع) از یکی از روش‌های آموزش متون دین پرده برمی‌دارد و از آن به داستان‌گویی یاد می‌کند: «حن نقص علیک احسن القصص بما اوحینا الیک هذا القرآن وان کنتم من قبله لمن الغافلین» (یوسف/۳). اگر به آیات پرمضمون کتاب خدا بازگردیم، به سرگذشت اقوامی برمی‌خوریم که تحقق معاد و بازگشت مخلوقات را حتمی و محقق می‌بینیم. به‌طور مثال، بیان داستان‌هایی از سرگذشت حضرت عزیز (ع) حکایتگر بازگشت قطعی همه موجودات در روز موعود است. آنجا که پس از گذر چندین سال که سر از خواب برداشت، با بهت و حیرت به اطراف خویش نگرست و دگرگونی را در اطراف خویش احساس کرد. اما وحی الهی او را متوجه ساخت که ۱۰۰ سال را در خواب به‌سر برده است نه نیمی از روز و یک روز. سپس او را آگاه کرد که از مرکبش چیزی جز تکه‌ای استخوان باقی نمانده است، اما همه آن‌ها به اذن الهی در کنار هم قرار گرفت. (شریعتی، ۱۳۸۲).

و نیز داستان بهتانگیز حضرت ابراهیم که چگونگی تحقق معاد جسمانی را تقاضا می‌کند: «وقال ابراهیم رب ارنی کیف تحیی الموتی، قال او لم نممن قال بلی. لکن لیطمئن قلبی» (بقره/۲۶۰) و سپس خداوند به او فرمان می‌دهد که چهار پرنده را بگیرد و پس از ذبح، قطعه‌قطعه و مخلوط کند و هریک را بر قله کوهی قرار دهد و سپس هریک از آن‌ها را صدا زند و مطمئن باشد که با سرعت به سوی او خواهند آمد. داستان اصحاب کهف نیز از چگونگی تحقق معاد و روز رستاخیز خبر

شکل ارتباطی دین به نحو مختلفی به ما آموزش می‌دهد که حتی در یاددهی مسائل دینی هم صرف استفاده از روش‌هایی که بر مبنای استدلال‌هایی مستحکم منطقی است، کفایت نمی‌کند، بلکه در آموزش معادباوری باید روش‌های متفاوتی در کنار روش‌های منطقی قرار گیرند



مقدمه ۲. این جهان ظرفیت محدودی دارد و ظرفیت تحقق همه مجازات‌ها و پاداش‌ها را ندارد.

نتیجه: عدل الهی اقتضا می‌کند عالمی خلق شود که در آن به هیچ مخلوقی ظلمی نشود و پاداش‌ها و همه مجازات‌ها در آن داده شود. این روش با تحقق شرایط مناسب برای دستیابی به نتیجه صحیح، به یادگیرنده کمک می‌کند به نتیجه‌ای مطلوب و منطقی دست یابد و با این استدلال و برهان معاد و سرای باقی را بپذیرد.

لیکن اشکالی که بر این شیوه می‌توان وارد ساخت این است که از این روش تنها می‌توان در آموزش به یادگیرندگانی استفاده کرد که به درک مفاهیم مقدماتی مباحث معاد نائل آمده باشند. به این ترتیب، بیان استدلال‌هایی در قالب قیاس، برای تکمیل آموزش به آن‌ها کمک شایانی می‌کند، زیرا وقتی افراد قیاس‌ها را دریافت می‌کنند، برای تفسیر قیاس، دانش و تجربیات گذشته خود را به کار می‌برند. این مسئله به این دلیل است که قیاس‌ها با جریان زندگی شخصی و محیط اجتماعی آن‌ها نزدیکی، تشابه و هماهنگی دارند (بهرنگی، ۱۳۸۳)؛ گرچه در برخی موارد هم نمی‌توان از این روش بهره جست. حتی خداوند متعال در قرآن کریم در انتقال مقاصد جدی‌اش، به استدلال و روش‌های منطقی صرف بسنده و اکتفا نکرده، زیرا در قرآن آمده است: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن» (نحل / ۱۲۵). بنابراین، شکل ارتباطی دین به نحو مختلفی به ما آموزش می‌دهد که حتی در یاددهی مسائل دینی هم صرف استفاده از روش‌هایی که بر مبنای استدلال‌هایی مستحکم منطقی است، کفایت نمی‌کند، بلکه در آموزش معادباوری باید روش‌های متفاوتی در کنار روش‌های منطقی قرار گیرند، زیرا در برخی موارد یکنواختی ادله منطقی با تمام قاطعیت و استواری درون آن، از درک برخی دانش‌آموزان خارج است.

شعر: شعر همان کلام خیال‌انگیزی است که از عبارات موزون و قافیه‌دار تشکیل شده است و موجب انفعال نفسانی می‌شود (مظفر، ۱۳۸۷). این شیوه یکی دیگر از روش‌هایی است که می‌توان از آن برای آموزش عقاید مرتبط با سرای باقی، استفاده کرد. وقتی به آثار شاعران و

اندیشمندان عصر حاضر و سده‌های گذشته نگاه می‌کنیم، با قرائت این مطلب تأثیرگذار، بینش روشن‌تری نسبت به این مفاهیم به دست خواهیم آورد. به فرض مثال، آنجا که مرحوم مولانا، در ابتدای مثنوی معنوی، مقدمه‌ای را با عنوان «تی‌نامه» می‌سراید، در محتوا و مضمون آن، آموزش عالم آخرت و سرای باقی نهفته است. آنجا که می‌گوید:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؟
به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم

با بیان چنین اشعاری، به این باور قلبی دست می‌یابیم که اعتقاد به معاد و عالم علوی، نه تنها مختص صاحب‌نظران و متفکران علوم دینی است، بلکه هر صاحب‌اندیشه‌ای که این اصل را با تمام وجودش پذیرفته است، می‌تواند آن را با هر لسانی به دیگران آموزش دهد. کما این که آن لسان شعر باشد یا دین. این باور، به یادگیرنده کمک می‌کند بداند که چنین اعتقادی، صرفاً مختص دین نیست، بلکه علوم دیگر نیز گواه صادقیت این باور محکم هستند. چه بسا زبان شاعرانه در آموزش معارف دین، کلاس درس را از خشکی مباحث خارج می‌سازد و حتی بر جذابیت آن می‌افزاید.

استفاده از هنر و مفاهیم آن در آموزش: یکی از مسائلی که می‌تواند در تحقق و یادگیری مطالب دین‌باورانه نقش مهمی داشته باشد، هنر و ملزومات آن است. از آنجا که اهمیت هنر در بروز ابتکارات نهفته است و زمینه‌ساز خلاقیت است (امیرحسینی، ۱۳۸۸). و نیز یادگیرندگان در برخی مسائل در سنین نوجوانی و جوانی از هنرمندان به‌عنوان الگو استفاده می‌کنند، به کارگیری این روش در روند آموزش معاد، نتایج مثبتی را به بار می‌آورد. استفاده و به کارگیری هنرهایی چون کاردستی، مجسمه‌سازی، طراحی، نقاشی، خوش‌نویسی و... نشان‌دهنده وسایل آموزشی در آموزش دروس نظری چون دین و زندگی است. برای مثال، با برگزاری نمایشگاه هنرهای دانش‌آموزی که با مضمون معاد و قیامت همراه باشد، قطعاً ابهامات حاصل از این دین، برایش قابل حل و فصل است. وقتی یادگیرنده خود در مقام یاددهنده قرار گیرد، درصدد قرار می‌گیرد که هنر و توانایی خود را در جهت تفهیم مطالبی

که قصد دارد به یادگیرنده آموزش دهد، به کار برد تا بتواند آموزش مؤثری را ایفا کند. چه جای اشکال است که مدرسان درس دین و زندگی، آن گاه که به تدریس درس‌های مرتبط با معاد و قیامت می‌پردازند، از تبحر و توانمندی دانش‌آموزان فعال و مستعد نیز بهره‌جویند. چه بسا به‌کارگیری این روند، به آموزشی مؤثر و خلاقانه منجر خواهد شد، زیرا دانش‌آموزی که پذیرفته است هنر و توانایی او نقش معلمی آموزش‌دهنده را ایفا می‌کند، ابتدا درصدد است باور خود را به سرای آخرت تحکیم بخشد تا جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای باقی نماند، زیرا این امر حس اعتمادبه‌نفس یادگیرنده را افزایش می‌دهد و زمینه‌ساز بروز خلاقیت در عرصه بعدی است (امیرحسینی، ۱۳۸۸). مثلاً می‌توان تصاویری را که حاکی از مطالبی در وصف معاد جسمانی است، به کمک نقاشی یا ساخت مجسمه‌هایی از وقایع داستان حضرت عزیر که بر بازگشت اجزای نابود شده موجودات در خاک دلالت دارد، ترسیم و بیان کرد. اگر در کنار این تصاویر، آیاتی که بیانگر پاسخ خداوند متعال به منکران معاد جسمانی هستند، با خط و نگارش زیبایی نوشته شوند، گویای مطالب اثرگذارتر و شیواتری خواهند بود.

نکته: اعتقاد به معاد و نهادینه کردن این باور در روح و جان افراد جامعه، نیازمند همراهی و همگامی علوم با یکدیگر است. اگر معلم در روند آموزشی خویش مطالبی را به یادگیرنده القا کند که در تفهیم آن مسائل از مفاهیم ملموس علوم دیگر بهره‌جوید، قطعاً آموزش موفق‌تری خواهد داشت. مثلاً معلم دین‌باور می‌تواند به کمک اصول اثبات شده در علوم پزشکی و زیستی، به راحتی معاد و پیدایش مجدد مخلوقات را ثابت کند. به فرض مثال، تحلیلی از جایگاه جنین در جهان خارج از رحم، یکی از مصداق‌های مناسب برای تفهیم بازگشت مجدد انسان‌ها در عالم و سرای دیگر است. چرا که خدایی که قادر است به تحقق نطفه‌ای بپردازد و به آن در طول سپری شدن زمان طولانی زندگی و حیات می‌بخشد، قطعاً در تحقق عالمی پس از مرگ ناتوان نیست. به بیان دیگر، عبارت فوق بیانگر آن است که اگر در آموزش متون دین از علوم دیگر که آفریده خالق بشر است و توسط انسان کشف شده است، تلفیقی ایجاد کنیم، نه تنها بر جذابیت

آموزش یاد دهنده می‌افزاید، بلکه به او کمک می‌کند در تحکیم اعتقاد باور یادگیرندگان نقش اثر گذارتری به عهده گیرد.

ب) راهکارهای مناسب برای ترویج مفهوم معاد: پس از بیان روش‌ها و فنونی که در فرایند آموزش می‌تواند نقش مؤثری ایفا کنند، لازم است راهکارهایی بیان شوند که می‌توانند به روند رشد مدارس در جهت تقویت باورهای دینی کمک کنند. اگر این پیشنهادها با درایت و حسن تدبیر برنامه‌ریزان فعالیت‌های آموزشی و تربیتی در مدارس همراه شوند، زمینه گسترش و تقویت این باور را در نسل جوان بیش از پیش فراهم می‌کنند. از جمله این راهکارها مواردی هستند که در زیر ارائه می‌شوند.

۱. تقویت انگیزش‌های درونی: یکی از آثار ارزشمند اعتقاد به معاد، درونی ساختن باورهاست. متأسفانه در تعلیم و تربیت فعلی، بیشتر از عوامل بیرونی نظیر تشویق، تنبیه، نمره دادن و کارنامه استفاده می‌شود. پیوند زدن انگیزه تحصیل یا سعادت اخروی و دنیوی، کمرنگ کردن ارزش نمره در ارزشیابی عملکرد و شخصیت دانش‌آموزان و کاستن از محدودیت‌های ظاهری از جمله راهکارهایی هستند که اجرای دقیق و کارشناسانه آن‌ها می‌تواند زمینه اعتقاد به معاد و باورهای اخروی را فراهم آورد. معلمی که باور به معاد با تمام وجودش عجین شده باشد، در وهله اول می‌کوشد به گونه‌ای تدریس کند که در ذهن دانش‌آموزش تزلزلی نسبت به اعتقاد به معاد رخ ندهد. به همین منظور، سعی می‌کند هم رفتارش تجلی آخرت باشد و هم بیانش گویای آن. و برای قدم گذاشتن در این وادی، توجه ما باید هم معطوف به معلم و عملکرد او و هم به نیازها و خواسته‌های دانش‌آموزان باشد. در این راستا، معلم همواره مورد توجه متفکران امر تعلیم و تربیت بوده است.

۲. یگانگی رفتار و گفتار معلم: وقتی معلمی درس می‌دهد، آدمی از کیفیت تدریس و حرکات و سکنات او می‌فهمد تا چه اندازه به اموری که بیان می‌دارد واقف است. زیرا فطرت انسان خدایی است و فطرت خدایی

اگر در کنار تصاویر، آیاتی که بیانگر پاسخ خداوند متعال به منکران معاد جسمانی هستند، با خط و نگارش زیبایی نوشته شوند، گویای مطالب اثرگذارتر و شیواتری خواهند بود





رفتار مدیر و معلمان هستند که اگر یادآور فطرت خداخواهی و تقویت کننده انگیزه آخرت گرایی انسان‌ها باشند، در چنین محیطی، تلاش معلمان به بار می‌نشیند و دانش‌آموزان خداخواه و آخرت‌گرا بار می‌آیند. محیط آموزشی مدرسه باید بازگشت به جهان برتر را در عمق وجود بخواند و شکل ظاهری آن پویایی وجود عالم آخرت را به دیگران القا کند.

نتیجه‌گیری

با مطالعه و بررسی در آثار مختلف دینی، اخلاقی و فلسفی به این باور محکم و قاطع دست یافتیم که اعتقاد به معاد، اعتقادی قلبی، فطری و برهانی است و پرداختن به آن از هر زاویه‌ای قابل دفاع و اثبات است. مخصوصاً توجه بدان در امر آموزش پسندیده و قابل توجه است، زیرا طبیعت و سیرت هر انسانی میل به بقا و جاودانگی را فطرتاً باور داشته است و خوی حقیقت‌جویی انسان‌ها تا به پاسخ اقناع کننده‌ای در ارتباط با این امر مهم دست نیابد، نمی‌تواند آرامش را در یادگیری مفاهیم علوم دیگر احساس کند.

روش‌های بررسی شده در این پژوهش، در زمره روش‌هایی هستند که در برخی موارد برای تعلیم دهندگان متون دینی، اثرات غیرقابل انکار و ثمر بخشی را به دنبال خواهند داشت. لیکن، جایگاه هر روش به تناسب زمان و شرایط سنی و... فرق می‌کند. به فرض مثال، معلمی که در دانش‌آموزان خود انگیزه بینش فلسفی را نبیند، قطعاً هر چه تلاش کند تا به اثبات عالم دیگر بپردازد، موفقیتی به دست نخواهد آورد و چه بسا در برخی موارد خستگی و دلزدگی از متون دینی ثمره کار او خواهد بود. اما همین معلم، وقتی در شرایطی قرار می‌گیرد که با ذهن خلاق و جست‌وجوگری مواجه می‌شود که ادله قاطع و محکمی را برای اثبات معاد باوری از او می‌خواهد، قطعاً بهترین شیوه را شیوه قیاسی یا سقراطی می‌داند. و نیز می‌توان یکی از راه‌های مؤثر آموزش معاد را در هنرستان و مدارس کار و دانش، استفاده از هنر و مفاهیم مرتبط با آن دانست. به‌طور کلی، نتیجه نهایی از این نوشتار آن است که روش‌های ارائه شده ممکن است در برخی موارد همیشگی و دائم اثرگذار نباشد، اما به نحو مقطعی و موقت در فرآیند آموزش دین نقش مهمی را ایفا می‌کند.

شنونده با حالت خدایی گوینده سنخیتی دارد که همدیگر را جذب می‌کنند. (امور کمک آموزشی، ۱۳۸۹). معلمی که اعتقاد و باور به معاد را پذیرفته، رفتار و کردارش باید نمودهایی از این باور قلبی باشد تا کلام او بر دل بنشیند.

۳. استفاده از روش‌های تشویق: تشویق

کردن نه تنها دانش‌آموزان را وامی‌دارد برای یادگیری خود سعی بیشتری نشان دهند، بلکه آنان را به شرکت در بحث و توجه به مطالب نیز رغب می‌کند و مانع از این می‌شود که توجه دانش‌آموزان از روند کلاس درس خارج شود (مرتضوی‌زاده، ۱۳۸۹). یادگیرنده‌ای که در برابر بازگشت به سرای باقی مقاومت نشان می‌دهد و با تعصبات جمودانه‌ای که شاید از طریق خانواده یا جامعه به او القا شده است؛ روبه‌روست، حتی اگر با استدلال‌ها و بیان معلم خویش در درون باور به روز واپسین را بپذیرد، در مقام اعتراف با سرسختی اظهار نادرستی و عیب بودن آن را دارد. اما اگر در روند آموزش با تدابیر صحیح به او فهمانده شود که چنین اعتقادی از معاد صحیح است، قطعاً سرسختی نمی‌کند و حتی با علاقه به صحت سخنان آموزش دهنده اعتراف می‌کند. پس صرف تشویق برای کسانی که همراه و موافق هستند، کافی نیست، بلکه مخالفان هم نیازمند حمایت‌اند تا از رفتار و شیوه غلط فکری خویش بازگردند.

۴. خوش‌رویی در حین تدریس:

خوش‌رویی کینه‌ها را می‌زداید، انسان‌ها را به هم نزدیک می‌کند، دل‌ها را به هم پیوند می‌زند و جو حاکم بر کلاس درس را شاداب و با طراوت می‌کند. وجود ارتباط عمیق عاطفی بین آموزش دهنده و یادگیرنده سبب می‌شود درسی که معلم در مقام آموزش دادن آن قرار گرفته است، اثرگذار باشد (مرتضوی‌زاده، ۱۳۸۹). خصوصاً درس‌هایی که در حیطه آموزش مبانی دینی است، باید با چاشنی خوش طبعی و قاطعیت احکام الهی همراه شود تا بر جان نشیند.

۵. مناسب ساختن محیط آموزشی:

عوامل تشکیل دهنده محیط‌های آموزشی از جمله شرایط فیزیکی مدرسه، معماری فضا، روابط انسانی حاکم بر مدرسه، شخصیت و

منابع

۱. امیرحسینی، خسرو (۱۳۸۸). *خلاقیت و نوآوری*. چاپ سوم. انتشارات طرف کامل. تهران.
۲. امور کمک آموزشی و کتابخانه‌ها (۱۳۸۹). *جلوه‌های معلمی استاد مطهری*. چاپ چهاردهم. انتشارات مدرسه. تهران.
۳. برتراند راسل (۱۳۴۰). *تاریخ فلسفه غرب*. ترجمه نجف دریابندری. جلد ۱. چاپ اول. شرکت سهامی کتاب‌های جیبی. تهران.
۴. جویس، ویل (۱۳۸۳). *الگوهای تدریس ۲۰۰۰*. ترجمه محمدرضا بهرنگی. انتشارات کمال تربیت. تهران.
۵. شریعتی، محمدباقر (۱۳۸۲). *معاد در نگاه عقل و دین*. چاپ چهارم. مؤسسه بوستان کتاب. قم.
۶. فرهادیان، رضا (۱۳۷۵). *پایه‌های اساسی ساختار شخصیت انسان در تعلیم و تربیت*. قم.
۷. کاردان، علی‌محمد (۱۳۸۱). *سیر آرای تربیتی در غرب*. انتشارات سمت. تهران.
۸. گریگوری، برگمن (۱۳۸۹). *کتاب کوچک فلسفه*. ترجمه کیوان قیادیان. چاپ نهم، کتاب آمد. تهران.
۹. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (بی‌تا). *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*. کتابخانه طهوری. تهران.
۱۰. مرتضوی‌زاده، حشمت (۱۳۸۹). *راه‌نمای تدریس «فنون و مهارت‌ها» چاپ سوم*. انتشارات عابد. تهران.
۱۱. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷). *منطق*. چاپ دوم. انتشارات دارالعلم. قم.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). *آموزش فلسفه*. چاپ چهاردهم. سازمان تبلیغات اسلامی. تهران.